

ضمانت از عیب مخفی مبیع در حقوق فرانسه

مراد نصیری^۱

چکیده

حقوق فرانسه به طور سنتی ضمانت از عیب مخفی مبیع را در قالب ضمانت قانونی و ضمانت از عیب ایجادشده پس از عقد را در قالب ضمانت قراردادی و تابع اراده‌ی مشترک طرف‌ها می‌داند.

پیش از سال ۲۰۰۵ میلادی، شرایط اقامه‌ی دعوای ضمانت قانونی عبارت بود از اقامه‌ی دعوای مهلتی محدود، مخفی بودن عیب از دید خریدار حین خرید، و مخفی بودن عیب از دید بائع. ضمانت اجرای تخلف از این ضمانت نیز انحلال عقد و مطالبه‌ی ارزش بود.

بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ تغییرهای مهمی در این زمینه در حقوق فرانسه ایجاد کرد. این بخش‌نامه عیب را شامل همه‌ی موارد تخطی از مفاد قرارداد یا فقدان وصف مورد تعهد می‌داند. ضمانت اجرای تخلف از ضمانت عیب مخفی وفق این بخش‌نامه علاوه بر دو مورد پیشین - یعنی انحلال عقد و مطالبه‌ی ارزش - درخواست تغییر جنس معیوب یا درخواست تعویض جنس معیوب است که خریدار می‌تواند یکی از این چهار مورد را برگزیند.

واژگان کلیدی: خیار عیب، ضمانت، ارزش، شرط تبری از عیب، حقوق مصرف‌کننده، خیار تخلف وصف، تعمیر، تعویض

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دستیار علمی دانشگاه پیام نور ماکو

مقدمه

با انعکاس حقوق رُم قدیم با مداخله‌ی دوما و پواتیه در قانون مدنی فرانسه مصوب سال ۱۸۰۴، نظامی برای حمایت از خریدار در مواد ۱۶۴۱ تا ۱۶۴۹ زیر عنوان «ضمانت از عیب مخفی مبیع» پیش‌بینی شد. این ضمانت را باید از ضمانت عدم تعلق حق دیگری و انتقال کامل حق مالکیت (ضمان درک) و نیز از ضمانت قراردادی متمایز کرد. ضمانت از عیب مخفی نوعی ضمانت قانونی است که به حکم قانون بر بایع تحمیل می‌شود، در حالی که ضمانت قراردادی و مدت آن پیرو قرارداد طرف‌هاست. در فرانسه، ضمانت عیب مخفی مبیع با رهنمود^۱ اروپایی ۱۹۹۹ تغییرهای عمده‌ای پیدا کرد. دولت فرانسه با تأخیری دوساله در ۱۷ فوریه‌ی ۲۰۰۵ قواعد مربوط به دعوای ضمانت عیب مخفی مبیع را دستخوش تغییرهای عمده‌ای کرد.

الف. ضمانت عیب مخفی مبیع پیش از سال ۲۰۰۵ میلادی

در حقوق فرانسه، از فروشندگان حرفه‌ای این انتظار می‌رود که جنس فروخته‌شده از هرگونه عیبی مصون و به‌اصطلاح دارای ویژگی کالای تجاری بوده و برای استفاده‌ی مورد منتظر مناسب باشد. بایع باید این امر را در ابتدای فروش تضمین یا ضمانت کند. معمولاً واژه تضمین یا ضمانت به تعهداتی اطلاق می‌شود که بر عهده‌ی یک فرد فارغ از خطای وی گذاشته می‌شود (۵:۴۸). در حقوق فرانسه، هم به ضمانت قانونی از عیب مخفی مبیع و هم به ضمانت قراردادی عیب بعد از عقد - که به آن ضمانت تجاری نیز گفته می‌شود -

۱. directive در کنار décision و règlement یکی از سه منبع الزام‌آور در حقوق اروپایی است. -régle- ment یا دستورالعمل بر خلاف رهنمود قابلیت اجرایی مستقیم دارد. رهنمود فقط چهارچوب قانون است که اتحادیه‌ی اروپا معین کرده و به کشورهای عضو مهلت می‌دهد تا حقوق داخلی خود را با هدف‌های آن منطبق کنند. به‌تازگی در ماده‌ی ۲۴۹ معاهده‌ی تشکیل جامعه‌ی مشترک اروپا که جانشین ماده‌ی ۱۸۹ قدیم آن خواهد شد عبارت loi-européenne پیشنهاد شده است. در این معنا، باید رهنمود را «چهارچوب قانون اروپایی» ترجمه کرد.

تضمین اطلاق می‌شود. رهنمود ۱۹۹۹ ضمانت^۱ را در معنای ضمانت قراردادی یا تجاری به کار گرفته و آن را برای حقوق قانونی‌ای که برای مصرف‌کننده به رسمیت می‌شناسد منظور نکرده است. ولی، فرانسه در تطبیق قانون خود با این رهنمود، از آن پیروی نکرد و به طور سنتی ضمانت از عیب مخفی مبیع را در قالب ضمانت قانونی و ضمانت از عیب ایجادشده بعد از عقد را در قالب ضمانت قراردادی و تابع اراده‌ی مشترک طرف‌ها دانست.

وفق ماده‌ی ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه، «بایع مکلف به ضمانت مبیع است از جهت عیب‌های مخفی آن که به مناسب نبودن مبیع برای استفاده‌ی عادتاً مورد انتظار منجر شود یا استفاده‌ی عادتاً مورد انتظار را به اندازه‌ای کاهش دهد که معلوم شود خریدار در صورت علم به عیب‌ها هرگز مبادرت به خرید مبیع نمی‌کرد یا بهای کمتری را برای آن می‌پرداخت».

۱. شرایط ضمانت قانونی

شرایط ضمانت قانونی عبارت‌اند از:

۱. بر پایه‌ی ماده‌ی ۱۶۴۸ قانون مدنی فرانسه، دعوای مربوط به ضمانت عیب مخفی باید در مهلتی محدود اقامه شود که از جمله شرایط ماهوی و جدایی‌ناپذیر است؛

۲. عیب باید حین خرید از دید خریدار «مخفی» بوده باشد. بنابراین، اگر بایع ثابت کند که خریدار از وجود عیب آگاه بوده، تکلیفی در برابر وی ندارد. در این وضعیت، خریدار می‌تواند، در صورت وجود شرایط، دعوای خود را بر مبنای دیگری مثل دعوای مبتنی بر عدم تطابق کالا با استفاده‌ی مورد نظر اقامه و ثابت کند که عیب موجود در مبیع استفاده‌ی عادتاً مورد انتظار را کاهش می‌دهد. دادگاه‌های فرانسه عیبی را که خریدار صلاحیت و تخصص لازم حرفه‌ای برای کشف آن را نداشته باشد نیز مخفی قلمداد کرده و، در راستای حمایت از مصرف‌کننده، شرط خلاف ضمانت قانونی را در قراردادهای افراد

1. Directive 1999/44/CE du Parlement et du Conseil du 25 mai

حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای ممنوع و خلاف نظم عمومی تلقی کرده‌اند. دستورالعمل شماره‌ی ۷۸-۴۶۴ مورخ ۲۴ مارس ۱۹۷۸ در مورد شرط‌های تحمیلی همین امر را مقرر می‌دارد.

از این‌رو، دادگاه‌های فرانسه ماده‌ی ۱۶۴۳ - را که ناظر به مشروعیت این شرط‌هاست - ناظر به قراردادهای بیع بین دو فرد حرفه‌ای یا دو غیر حرفه‌ای (البته با عدم تدلیس) دانسته‌اند؛ یعنی، فرد حرفه‌ای را آگاه به وجود عیب و دارای سوءنیت فرض کرده‌اند که نمی‌تواند شرط خلاف ضمانت قانونی را در قرارداد بیع خود درج کند. البته، فرض قانونی فقط در مرحله‌ی دعوای مدنی تأثیر دارد و نمی‌توان از این تشابه مسؤولیت کیفری بائع را نیز مطرح کرد؛

۳. عیب باید از دید بائع نیز مخفی باشد. در غیر این صورت، علاوه بر مسؤولیت مدنی، مسؤولیت کیفری وی نیز مطرح می‌شود و ضمانت اجرای مدنی آن نیز شدیدتر خواهد بود؛ بدین صورت که، علاوه بر برگشت دادن بهای دریافت‌شده، تمامی خسارت‌های وارده به خریدار نیز باید جبران شود. در حالی که، در صورت جهل به عیب، تنها در قبال مبلغ دریافت‌شده و نیز خسارت‌هایی که از جهت فروش به خریدار تحمیل شده ضامن است (ماده‌های ۱۶۴۵ و ۱۶۴۶ قانون مدنی).

رویه‌ی قضایی گاهی شدت عمل بیش‌تری نشان داده و نفس ارائه‌ی کالای ناقص به بازار را خطای فاحش تلقی کرده و بنا بر اصل تشبیه خطای فاحش به تدلیس، طبق ماده‌ی ۱۱۱۶ بائع را به پرداخت کلیه‌ی خسارت‌های وارده به خریدار محکوم کرده است.

مهلت ضمانت قانونی از زمان کشف عیب کالاست (در حالی که، مهلت ضمانت قراردادی از زمان خرید کالا آغاز می‌شود). این دو مهلت می‌توانند حتی بدون شرط ویژه‌ای در ضمن قرارداد در کنار هم وجود داشته باشند (دیوان عالی، ۲ مه ۱۹۹۰). البته، خود دعوای ضمانت قانونی به هیچ مهلتی مقید نیست؛ بدین معنا که، در صورت کشف عیب حتی پس از گذشت مدت طولانی از انعقاد عقد نیز، حق طرح دعوای ضمانت قانونی برای خریدار وجود دارد

مشروط بر اینکه ثابت کند عیب در زمان انعقاد عقد وجود داشته و نتیجه‌ی استهلاک مبیع نیست. به محض علم خریدار به وجود عیب، حق اقامه‌ی دعوی از سوی وی مشروط به «مهلت محدود» می‌شود که محدوده‌ی آن در رویه‌ی قضایی تا دوازده ماه بود (۲۲۵: ۳)، ولی بعد از بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ این مهلت تا دو سال طولانی شده است؛ با این تفاوت که، به‌جای اینکه مهلت آن از تاریخ «کشف عیب» محاسبه شود، از تاریخ «انعقاد بیع» منظور شده است.

مهلت‌دار شدن حق طرح دعوا موجب این تصور شد که قواعد این رهنمود به‌ویژه در مورد کالاهای دیرمصرف منافع کم‌تری برای مصرف‌کننده دارد. این بود که قانون‌گذار فرانسه قواعد مربوط به دعوای ضمانت از عیب مخفی مبیع را در قانون مدنی دست‌نخورده باقی گذاشت و فقط در ماده‌ی ۱۶۴۸ آن مهلت محدود را به دو سال افزایش داد. بدیهی است که برای دادن امتیاز بیش‌تری به مصرف‌کننده نسبت به رهنمود، این مهلت را به جای اینکه از تاریخ وقوع بیع در نظر بگیرد، از تاریخ کشف عیب لحاظ کرد. زیرا، «مهلت محدود» مندرج در ماده‌ی ۱۶۴۸ پیشین نیز از تاریخ کشف عیب محسوب می‌شد.

اما، مهلت ضمانت قراردادی یا تجاری تابع نظر بایع بوده و حسب اطمینان به کالای ارائه شده‌ی خود یا ضرورت جلب مشتری این مهلت را طولانی‌تر می‌کند. معمولاً، ضمانت قراردادی حق‌ها و مزیت‌های بیش‌تری را در مقایسه با ضمانت قانونی تضمین می‌کند و علاوه بر عیب مخفی موجود هنگام بیع، گاهی عیب‌های آشکار یا ایجادشده بعد از عقد، تهیه‌ی قطعه‌های یدکی، و تعمیر در محل واقع شدن کالا را نیز می‌توان ضمن ضمانت قراردادی پوشش داد. این ضمانت برای بایع یا سازنده نیز سودمند است. زیرا، به آنان این امکان را می‌دهد که از عیب‌های احتمالی کالای خود آگاه شده و در ارتقاء کیفیت آن کوشیده و برطرف کردن سریع عیب را وسیله‌ای برای افزایش اعتبار تجارتي خود بدانند.

دادگاه‌های فرانسه برای حمایت از مصرف‌کننده در مواردی که بایع برای فرار از این ضمانت کاری کند که مهلت آن سپری شود یا پیدایش عیب در طول مدت ضمانت باشد ولی دعوا خارج از این مدت اقامه شود حتی بعد از مهلت ضمانت قراردادی نیز بایع را مکلف به این تعهد می‌دانند. اما، برخلاف ضمانت قراردادی، تعهد به ضمانت قانونی از مقوله‌ی نظم عمومی بوده و شرط خلاف آن ممکن نیست.

در مورد ضمانت قراردادی نیز، کمیسیون شرط‌های تحمیلی شرط‌هایی را که موضوع یا اثر آنها اجبار مصرف‌کننده به تعمیر کالای ناقص نزد خود بایع باشد ممنوع می‌سازد مشروط بر اینکه چنین شرطی از نظر ایمنی مصرف‌کننده یا ویژگی فنی خود کالا توجیه‌پذیر نباشد یا اینکه تعمیرکننده در شرایط عادی در دسترس نباشد (توصیه‌نامه‌ی ۱-۷۹ مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۶). اصولاً، ضمانت قراردادی با تعویض یا تعمیر کالا پایان می‌یابد و ضررهای مادی و جسمی دیگر را شامل نمی‌شود. ولی، اگر بایع از عیب شیء آگاه باشد، مکلف به جبران همه‌ی خسارت‌هاست. در این زمینه، رویه‌ی قضایی فرانسه ضمانت قراردادی را اماره‌ی سبق وجود عیب در زمان انعقاد قرارداد تلقی کرده است. به‌علاوه، اگر بایع حرفه‌ای باشد، اماره‌ی علم وی به وجود نقص که مورد پذیرش رویه‌ی قضایی است موجب می‌شود که تکلیف اثبات بر بایع تحمیل شود. بنابراین، بایع باید ثابت کند کالای او هنگام بیع سالم بوده است. در نتیجه، بایع در بیش‌تر موارد مکلف به جبران کلیه‌ی خسارت‌هاست (۱۳۲: ۳).

۲. ضمانت اجرا

به‌طور عمده، دو ضمانت اجرا برای ضمانت عیب مخفی در نظر گرفته شده است:

۱. **انحلال عقد.** ماده‌های ۱۱۸۴ و ۱۶۴۴ قانونی مدنی امکان اقامه‌ی دعوای فسخ و استرداد بهای پرداختی و ردّ مبیع را به‌منزله‌ی ضمانت اجرای تعهد اجرانشدنی به مشتری می‌دهند؛
۲. **مطالبه‌ی ارزش.** ماده‌ی ۱۱۴۴ قانون مدنی حق مطالبه‌ی تفاوت

قیمت ناقص با سالم را به مشتری می‌دهد. ماده‌ی ۱۱۴۵ سوءنیت بایع را در عدم اجرای عقد مفروض گرفته و از جبران خسارت‌های وارده سخن به میان می‌آورد. برای مثال، اگر بایع عیب کالا را بداند یا اینکه علم وی به نقص به دلیل حرفه‌ای بودن وی مفروض قلمداد شود، تمام خسارت‌های وارده _ از جمله، خسارت‌های وارده در اثر نقص کالا _ به دیگری نیز جبران پذیر است. اما خسارت‌های وارده در اثر نقص کالا موضوع «تعهد به ایمنی» است که پیش‌تر با رهنمود ۱۹۸۵ جامعه‌ی مشترک و قانون ۱۹۹۶ فرانسه از ضمانت عیب کالا تفکیک شده بود. البته، حسب درخواست مشتری می‌توان نسبت به جانشین کردن کالا یا تعمیر آن توسط بایع اقدام کرد.

ب. ضمانت عیب مخفی مبیع پس از سال ۲۰۰۵ میلادی

هرچند بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ تغییرهای مهمی در خصوص ضمانت عیب مخفی در حقوق فرانسه ایجاد کرد، قبل از آن در رویه‌ی قضایی و در میان حقوق‌دانان تعهد دیگری در قالب «تعهد به ضمانت تطبیق کالا با استفاده‌ی عادتاً مورد انتظار» مطرح بود. این تعهد از کنوانسیون ۱۹۸۰ بیع بین‌المللی نیز برمی‌آید و از پایان قرن ۲۰ تا زمان قانون ۲۰۰۵ محور بحث‌های نظری و رویه‌های قضایی متعددی بوده است. پرسش مهم در این باره در رویه‌ی قضایی این بود که آیا تعهد ضمانت عیب مخفی تعهدی مستقل از تعهد به تطبیق کالا است یا خیر. ممکن است مبیع عیب فیزیکی نداشته ولی مطابق مفاد قرارداد نبوده یا با خواست مشروع خریدار برای استفاده‌ی مورد نظر وی منطبق نباشد (۴۰۳ و ۲۵۹:۳).

رهنمود ۱۹۹۹ نظام حمایت خود را با عنوان «ضمانت تطبیق کالا» به طور رسمی و صریح وارد دایره‌المعارف حقوقی کشورهای جامعه‌ی مشترک کرد. این تعهد ناظر به قراردادهای بیع بین بایع حرفه‌ای و مصرف‌کننده است. بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ در واقع مواد این رهنمود را وارد حقوق فرانسه کرد.

ولی، چون تصور شد که قانون مدنی مقررات سودمندتری برای حمایت از مصرف‌کننده دارد، قواعد مربوط به رهنمود در کنار قواعد مربوط به ضمانت عیب مخفی کالا در حقوق داخلی فرانسه درج شد، اما نه در قانون مدنی بلکه در مواد 1-211 L تا 14-211 L قانون مصرف‌کننده جای گرفت.

امتیاز ضمانت عیب مخفی موضوع ماده‌های ۱۶۴۱ به بعد قانون مدنی این است که همه‌ی انواع اشیاء حتی اموال غیرمنقول را نیز شامل می‌شود، ولی قواعد رهنمود اروپایی فقط ناظر به فروش اشیاء مصرفی بین بایع حرفه‌ای و خریدار مصرف‌کننده است. بنابراین، نسبت به قانون مربوط به ضمانت عیب مخفی در قانون مدنی قانون خاص محسوب می‌شود؛ با این توضیح که، مانعی در راه اجرای قواعد مربوط به ضمانت قانونی مندرج در قانون مدنی نیست. به عبارت دیگر، یعنی، ممکن است نسبت به یک دعوا هم قوانین مربوط به سال ۲۰۰۵ قابل اجرا باشند و هم قواعد مندرج در قانون مدنی. به هر حال، این اختیار برای مصرف‌کننده وجود دارد که هر قانونی را که مفیدتر می‌داند برای طرح دعوای خود به منزله‌ی مبنا مطرح کند.

۱. تعریف عیب طبق بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵

رویه‌ی قضایی فرانسه در اجرای ماده‌ی ۱۶۴۸ قدیم قانون مدنی عیب را در معنای عدم صلاحیت مبیع برای استفاده‌ی مورد نظر، استفاده‌ی عادی، یا کاهش استفاده به گونه‌ای که اگر خریدار می‌دانست آن را نمی‌خرید یا بهای کم‌تری برای آن می‌پرداخت می‌داند که تفسیری محدود از عیب است (۲۱۷: ۳) اما، وفق بخش‌نامه، عیب شامل همه‌ی موارد تخطی از مفاد قرارداد یا فقدان وصف مورد تعهد دانسته شده است. برای مثال، فقدان وصف قرمز رنگ مبیع عیب تلقی می‌شود. البته، ملاک‌های قبلی موجود در قانون مدنی برای تشخیص عیب به قوت خود باقی است؛ یعنی، «نقص تطابق با استفاده‌ی مورد نظر» یا «استفاده‌ی مورد انتظار مشروع مصرف‌کننده» یا «عیب ساختی» و «نقص فیزیکی». ولی، نقص تطابق با قرارداد مفهوم وسیع‌تری است. دو مفهوم «نقص تطابق با قرارداد» با «نقص تطابق با استفاده‌ی عادتاً مورد انتظار»

کاملاً بر هم منطبق نیستند. زیرا، نقص در مفهوم نخست فقط از دیدگاه خریدار مصرف‌کننده محک زده می‌شود، در حالی که در ملاک دوم بر اساس «اراده‌ی مشترک» مستنبط از آگهی‌های تبلیغاتی، خود قرارداد، و مذاکره‌های پیش‌قراردادی مشخص می‌شود.

«عیب تطابق» باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱. وفق ماده‌ی ۸-۲۱۱.L، این عیب باید از دید مشتری مصرف‌کننده هنگام انعقاد بیع (و نه هنگام تحویل کالا) مخفی بوده باشد. اما، پس از تحویل مبیع توسط مصرف‌کننده، حق طرح دعوا علیه بایع ساقط نمی‌شود، ولی باید به نحو مقتضی به وی اطلاع دهد که نمی‌خواهد از حقوق خود دایر بر طرح دعوای ضمانت عیب مخفی چشم‌پوشی کند؛

۲. نقص تطابق با قرارداد باید هنگام تسلیم کالا وجود داشته باشد مگر اینکه خریدار ثابت کند که عیب ایجادشده بعد از تحویل، نتیجه‌ی عیب موجود قبل از تحویل است. دلیل سبق وجود عیب بر زمان تحویل هرچند سخت است، رویه‌ی قضایی فرانسه به‌سادگی آن را می‌پذیرد^۱ و بایع را مکلف به پذیرش آثار این تعهد می‌کند.

در این زمینه، رهنمود ۱۹۹۹ و بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ راه‌حل بهتری را به نفع مصرف‌کننده مقرر می‌دارند. ماده‌ی ۷-۲۱۱.L در مدتی شش‌ماهه بعد از تحویل کالا اماره‌ی سبق وجود عیب را پیش‌بینی کرده که از این نظر به دلیل تأمین بیش‌تر منافع مصرف‌کننده بر قواعد سنتی موجود در قانون مدنی برتری دارند. در مدت شش‌ماهه پس از تحویل کالا، سبق وجود عیب بر زمان تحویل مفروض است. بنابراین، بایع باید کار سخت اثبات عدم سبق وجود عیب بر زمان تحویل را به اثبات برساند؛ یعنی، در مدت شش ماه بعد از تسلیم کالا، خریدار از تحمل تکلیف دلیل سبق عیب معاف است. طبیعی است که بعد از شش ماه از تسلیم کالا، تکلیف اثبات سبق وجود عیب در زمان تسلیم بر

۱. رأی ۱۹۹۶/۱۱/۵ شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه درج در شرح خلاصه آراء دالوز ص ۳۴۸ یادداشت اولیویه تورنافوند

عهده‌ی خود خریدار است. برای مثال، باید ثابت کند که در مدت شش ماه بعد از تسلیم از کالا استفاده نکرده و در نتیجه نتوانسته عیب مبیع را کشف کند.

۲. ضمانت اجرای تخلف از ضمانت عیب وفق بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵

بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ واجد یک تغییر دیگر و بسیار مهم در حقوق فرانسه است. برخلاف قانون مدنی که دو امکان را در قالب دعوی فسخ و دعوی ازش مطرح کرده، بخش‌نامه چهار گزینه را برای خریدار قرار داده که یکی را به تشخیص خود انتخاب کند؛ یعنی، علاوه بر دو دعوی پیش‌گفته، دو دعوی دیگر قابلیت طرح دارند. این دو دعوا که برای تطابق جنس با شرایط قرارداد مقرر شده‌اند عبارت‌اند از درخواست تعمیر جنس معیوب و درخواست تعویض جنس معیوب.

این دعوها حتی در جایی که خود بایع جاهل به وجود عیب بوده باشد نیز قابل طرح‌اند. اما، نکته‌ی بسیار مهم این است که دو دعوی فسخ و مطالبه‌ی ازش را بعد از عدم امکان طرح یکی از دو دعوی تعمیر و تعویض جنس معیوب می‌توان طرح کرد. بنابراین، از ابتدا برای خریدار متضرر از عیب انتخاب بین چهار دعوا موجود نیست (ماده‌ی ۹-211.L) البته، شرط انتخاب یکی از دو دعوی تعمیر و تعویض این است که یکی از این دو برای بایع هزینه‌ی زیاد از حد نداشته باشد. بنابراین، اگر تعمیر مبیع معیوب مقرون‌به‌صرفه نباشد، بایع می‌تواند دعوی الزام به تعمیر را رد کند و آن را با مبیع سالم جانشین کند. در بین دو دعوی دیگر نیز، یعنی فسخ و مطالبه‌ی ازش، گاهی این تقدّم و تأخّر وجود دارد؛ یعنی، اگر تفاوت قیمت صحیح و معیوب بسیار اندک باشد، خریدار نمی‌تواند فسخ قرارداد را بخواهد، بلکه فقط می‌تواند ازش را مطالبه کند (ماده‌ی 10-211.L)

هرچند - برای رعایت بیش‌تر حقوق مصرف‌کننده - کمیسیون خانم وینی معتقد به عدم تقدّم و تأخّر این دعوها بود و پیشنهاد تساوی آنها را داده بود، بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ نظر کمیسیون وینی را رد و تقدّم و تأخّر را جانشین کرد.

چنانچه یکی از این چهار دعوا خسارت‌های وارده بر متضرر از نقص کالا را جبران نکند، قانون مدنی در ماده‌ی ۱۶۴۵ امکان مطالبه‌ی خسارت را نیز به متضرر می‌دهد. زیرا، ممکن است خسارت‌های وارده به وی منحصر به خسارت‌های وارده از ناحیه‌ی عیب خود کالا نباشد. عیب خود کالا می‌تواند با یکی از این چهار دعوا جبران شود، ولی ممکن است از ناحیه‌ی عیب خسارت‌های دیگری به بار آید؛ برای مثال، تعهدی دیگر انجام نشود، هزینه‌ای برای حمل‌ونقل و تعمیر پرداخته شود یا اینکه از ناحیه‌ی عیب خسارت‌های مالی، جانی و عدم‌النفع دیگری به بار آید (برای نمونه، هواپیمای معیوب سقوط کند و جان مسافرانی را بگیرد و در محل برخورد نیز خسارت‌هایی را به بار آورد) (۲:۱۴).

در مورد این خسارت‌ها، هر چند رهنمود ۱۹۸۵ وجود دارد و مواد مربوط با قانون سال ۱۹۹۸ در حقوق فرانسه وارد شده است (۳:۱۵) وجود این قانون خاص مانع اجرای مقررات قانون مدنی نمی‌شود؛ مقرراتی که ظاهراً منافع بیش‌تری را برای مصرف‌کننده تأمین می‌کنند. این مطلب در ماده‌ی L.211-11 قانون مصرف‌کننده نیز آمده است که به‌نوعی تمسک به فرمول سنتی مندرج در ماده‌ی ۱۶۴۵ را مجاز شمرده و به‌صراحت می‌گوید که «مواد این بخش‌نامه (۱۷ فوریه‌ی ۲۰۰۵) مانع جبران ضرر و زیان به خریدار آسیب‌دیده از عیب نخواهد شد».

بنابراین، فرمول ماده‌ی ۱۶۴۵ برای مطالبه‌ی ضرر و زیان قابل اجراست. اما، شرط جبران ضرر و زیان از مشتری این است که بایع عالم به وجود عیب در کالای فروخته‌شده‌ی خود باشد. با توجه به اینکه برای خریدار اثبات علم بایع به عیب کاری بسیار دشوار است، رویه‌ی قضایی فرانسه در مورد بایع حرفه‌ای اماره‌ی علم به عیب را پیش‌بینی کرده است. این امر خریدار را از تحمل تکلیف دلیل معاف ساخته و مطالبه‌ی کلیه‌ی خسارت‌های وارده به خود را امکان‌پذیر می‌کند؛ به‌ویژه اینکه این اماره به‌نوعی اماره‌ی مطلق تلقی شده و دلیل خلاف آن نیز پذیرفته نمی‌شود (رای ۱۹۶۵/۱/۱۹).

البته، دیوان اروپایی فرانسه را محکوم کرده که چرا دامنهی اجرای رهنمود ۱۹۸۵ در خصوص مسؤولیت مدنی کالاهای فاقد ایمنی را به این خسارت‌ها تسری داده است (رأی، ۲۵/۴/۲۰۰۲)، ولی، سرانجام پذیرفت که چنانچه بر مبنای دیگری غیر از مبنای مطرح در رهنمود ۱۹۸۵ طرح دعوا صورت بگیرد، ایرادی ندارد. در این صورت، بر مبنای ضمانت تطابق با قرارداد مندرج در رهنمود ۱۹۹۹ جامعه‌ی مشترک اروپا و بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ نیز می‌توان دعوای ضرر و زیان را استوار کرد.

بدیهی است که اگر این مبنای اخیر مورد استناد قرار گیرد، قواعد مندرج در رهنمود ۱۹۸۵ جامعه‌ی مشترک اروپا و قانون ۱۹۹۸ فرانسه دیگر قابلیت استناد ندارند.

در جایی که خریدار نهایی کالا را به طور مستقیم از سازنده خریداری نمی‌کند و در زنجیره‌ی سازنده و مصرف‌کننده‌ی نهایی واسطه‌های متعددی وجود دارند، رویه‌ی قضایی به صورت سنتی امکان «دعوی مستقیم» علیه هر یک از واسطه‌های پیشین را می‌داد. برای مثال، خریدار نهایی می‌توانست علیه سازنده به طور مستقیم طرح دعوا کند، همچنان که امکان طرح دعوا علیه بایع کل و بایع جزء نیز وجود داشت. ولی، در رهنمود ۱۹۹۹ و بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵، وفق ماده‌ی L.211-14، چنین امکانی وجود ندارد؛ یعنی، خریدار مصرف‌کننده فقط علیه کسی که جنس معیوب را به وی فروخته است حق طرح دعوا دارد. بدیهی است که فرد اخیر نیز به‌نوبه‌ی خود امکان طرح دعوا (در قالب یکی از دعوای چهارگانه) را علیه بایع به خود دارد و این روند ادامه می‌یابد تا به سازنده و تولیدکننده برسد. استناد به ماده‌های مربوط به ضمانت مخفی و نیز ماده‌های مربوط به قانون مصرف‌کننده - درج شده توسط بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ - که امکان طرح «دعوی مستقیم» را می‌دهند نسبت به مقررات رهنمود ۱۹۹۹ منافع بیش‌تری را برای متضرر دربردارند و به همین دلیل، رهنمود ۱۹۹۹ مانعی برای بقای آنها در حقوق فرانسه ایجاد نکرد.

۳. شرط‌های محدودکننده‌ی ضمانت

با توجه به اینکه ممکن است بایع حرفه‌ای با شرط اسقاط خیار عیب یا آنچه در قانون مدنی شرط تبری از عیب نامیده می‌شود مقررات مربوط به ضمانت عیب را نادیده بگیرد، بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ مانند قواعد سنتی مندرج در قانون مدنی شرط خلاف ضمانت قانونی را باطل اعلام کرده است. در فرانسه، بیع به شرط عدم ضمانت از مقوله‌ی شرط‌های تحمیلی (۴۵۴ : ۳) شناخته شده است که در حکم «شرط نانوشته» قلمداد شده و به آنها ترتیب اثر داده نمی‌شود.

ملاک عمده‌ای که در خصوص بطلان این شرط‌ها در کشورهای اروپایی به‌دست داده‌اند این است که اگر یکی از طرف‌های قرارداد وفق ملاک قانون سال ۱۹۸۷ بخواهد با درج چنین شرطی از قدرت اقتصادی برتر خود سوءاستفاده کرده یا بخواهد وفق ملاک رهنمود ۱۹۹۳ تعادل اقتصادی قرارداد را به طور معناداری به‌هم بزند، شرط خلاف ضمانت مندرج در ماده‌ی R.132-1 مخالف نظم عمومی اعلام می‌شود. رهنمود ۱۹۹۹ و بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ نیز -درج‌شده در ماده‌ی L.211-17 قانون مصرف‌کننده - قواعد جدید را در مقوله‌ی نظم عمومی دانسته و شرط خلاف ضمانت را ناممکن (شرط نانوشته) تلقی کرده است. نظم عمومی با چهره‌ی اقتصادی موجب می‌شود که توازن عادلانه‌ای در روابط بین بایع و خریدار برقرار شده و از اعتماد خریدار در جامعه سوءاستفاده نشود. رهنمود ۱۹۹۹ و بخش‌نامه‌ی ۲۰۰۵ حتی از رهنمود ۱۹۹۳ در خصوص شرط‌های تحمیلی نیز فراتر رفته‌اند. زیرا، در ماده‌ی L.211-18 مقرر شده که حتی با توافق خریدار و بایع نیز نمی‌توان قانون یک کشور ثالث غیرعضو در جامعه‌ی مشترک اروپا را به‌منزله‌ی قانون حاکم بر روابط طرف‌ها مقرر کرد.

ذکر این نکته لازم است که قواعد مربوط به ضمانت قراردادی مندرج در ماده‌ی L.211-15 به ضمانت قانونی ارتباطی ندارد. مقررات ضمانت قراردادی جزء قواعد آمره و نظم عمومی نیستند. البته، اصولاً قواعد مربوط به

ضمانت قراردادی مندرج در بخش نامه‌ی ۲۰۰۵ تغییر در قواعد موجود در رویه‌ی قضایی فرانسه به وجود نیاورده‌اند. نکته‌ی مهم دیگر اینکه بخش نامه‌ی ۲۰۰۵ در خصوص ضمانت تطابق با مفاد قرارداد ناظر به قراردادهای بین مصرف‌کننده و بایع «حرفه‌ای» است، در حالی که قواعد موجود در قانون مدنی عام بوده و تمام قراردادهای بیع منعقدشده بین مصرف‌کننده و تولیدکننده یا فروشنده‌ی حرفه‌ای را شامل می‌شود. برخی از حقوق دانان فرانسوی مانند کاله اولوا^۱ معتقداند (۱۰۹: ۴) که این ماده‌ها باید به قراردادهای افراد حرفه‌ای نیز تسری یابند، در حالی که تورنافوند معتقد است که باید به محدود‌هی رهنمود ۱۹۹۹ اکتفا کرد.

فهرست منابع

۱. دیانی، عبدالرسول؛ قواعد عمومی قراردادها؛ جزوه‌ی درسی از انتشارات دانشگاه آزاد واحد تهران، شمال و دانشگاه شهرکرد.
۲. دیانی، عبدالرسول؛ مسئولیت مدنی ناشی از نقص ایمنی اشیای پرنده؛ چاپ در مجموعه مقالات پژوهشکده هوا و فضا وابسته به وزارت علوم و فن‌آوری و تحقیقات، ۷ و ۸ اسفندماه سال ۱۳۸۱.
۳. دیانی، عبدالرسول؛ مسئولیت مدنی ناشی از نقص ایمنی کالاها؛ تز دکتری دانشگاه استراسبورگ، انتشارات دانشگاه لیل فرانسه، ۲۰۰۰ میلادی.
4. Bourgoignie, Thierry; **Regards croisés sur les enjeux contemporains du droit de la consommation**; Éd. Yvon Blais, Canada. 2006.
5. stark; Essai d'une théorie générale de la responsabilité civile considérée en sa double fonction de garantie et de peine privée; These Paris 1947.

1. Kalo Ulova